

شماره کتاب: 7771
 ناشر: انتشارات پلورال
 سال انتشار: 1392
 شاب: 978-964-2222-24-2
 شاب مکمل: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2

نقد پلورالیستی

بهمین بازرگانی

درآمد

فصل یکم: نقد پلورالیستی

۱- وضعیت هست شدن و...

۲- توریسم، نقد و...

۳- کمرنگی و...

۴- نگاه تاریخی و...

۵- فضا، کجما، محدودیت های ساختار...

۶- قرن ۲۱ و...

۷- آیا نظریه های جدید نقد نظریه های قدیمی است؟

۸- اهمیت پلورالیسم...



فصل دوم: نقد چندگانه

۱- نقد بر کتاب «سور و...

۲- روش های...

۳- نقدی بر...

۴- بر...

mailto:info@plurality.com

تلفن: ۰۲۱-۷۷۷۷۷۷۷

پلاک: ۱۲

فصل: ۱۱

صفحه: ۵

شاب: 978-964-2222-24-2

شاب مکمل: 978-964-2222-24-2

شماره کتاب: 7771
 ناشر: انتشارات پلورال
 سال انتشار: 1392
 شاب: 978-964-2222-24-2
 شاب مکمل: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2
 شاب مجله: 978-964-2222-24-2



کتاب آمه

فهرست مطالب

درآمد ۷

فصل یکم: نقد پلورالیستی

۱. وضعیت پست مدرن و کلان‌فضای کثرت‌گرا ۱۳
۲. توریست منتقد و کلان‌فضای کثرت‌گرا ۲۰
۳. کثرت‌گرایی زیبایی و نقد ادبی ۳۲
۴. نگاه ماتریسی و مرگ مؤلف ۴۳
۵. قاصدک‌ها، محدودیت‌های ساختارشکنی ۶۶
۶. قرن ۲۱ و رسالت هنر و ادبیات ۷۳
۷. آیا نظریه‌های جدید نتیجه نقد نظریه‌های قدیم‌اند؟ ۹۴
۸. اهمیت‌یابی فرهنگ ۱۰۰

فصل دوم: نقد چند کتاب

۱. نقدی بر کتاب «افسون‌زدگی جدید - هویت چهل تکه و تفکر سیار»
داریوش شایگان ۱۰۶
۲. نقدی بر مشروطه ایرانی، تألیف م. آجودانی ۱۳۱
۳. نو پراگماتیسم ریچارد رورتی (نقدی بر کتاب «فلسفه و امید») ۱۴۸

درآمد

نقد در فضای کثرت گرا بر این واقعیت آگاه است که هنگامی که از دیدگاه الف شروع به نقد یک متن می‌کند، دیدگاه‌های دیگری را که منجر به نقدهای متفاوت می‌شوند از دست می‌دهد. ما از هر دیدگاهی که به متن بنگریم به نکاتی توجه می‌کنیم و به نتایجی می‌رسیم و در مقابل از بسیاری نکات دیگر و نتایجی که از آنها می‌توانست عاید شود، غافل می‌مانیم. نقد کثرت گرا، با توجه به این نقیصه، نقدی است پوزش‌خواه.

نقد مدرن بر عکس بود. نقد مدرن به کثرت بالقوه‌ی امکانات نقد نگاهی سرکوبگر داشت. نقد مدرن از دیدگاهی که آغاز به نقد یک متن می‌کرد، نگرش خود را تنها نگرش درست می‌انگاشت. نقد مدرن نکاتی را که بر آنها توجه و تمرکز می‌کرد، یگانه نکات مهم و قابل توجه می‌شمرد. نقد مدرن نتایجی را که به دست می‌آورد یگانه نتایج درست معرفی می‌کرد. نقد مدرن نقد یکه تاز و آوانگارد بود. نقد مدرن انحصارطلب بود. بر هر آنچه تأکید می‌کرد راه را بر تأکیدهای دیگر بر نگرش‌های دیگر و بر نتایج بالقوه‌ی دیگر می‌بست.

نقد مدرن همانا نقد آوانگارد بود. این نقد دیدگاه خود را پیش‌تاز و پیشاهنگ کشف نکات جدید می‌شناخت. نکات جدیدی که آنها را در حکم نوک پیکان تکامل نقد معرفی و تبلیغ می‌کرد. نقد مدرن اسلوب خود را نوآوری می‌خواند. نکاتی که نقد مدرن آنها را «کشف» می‌کرد، نکاتی بودند نو و به محض آنکه این نو را به عرصه‌ی نقد می‌آوردند نکات دیگر کهنه محسوب می‌شدند. نکاتی که یا باید به زباله‌دانی تاریخ نقد انداخته شوند یا اگر شانس بیاورند چون خدمتکاران در خدمت

ارباب نوآمده در آیند. نقد مدرن خود را کاشف سرزمین‌هایی ناشناخته می‌دید، سرزمین‌هایی که تنها یک نابغه می‌توانست پای به آنها بگذارد. همانند کاشفی خجسته در دنیایی اسرارآمیز.

نقد کثرت‌گرا خود را پیش‌تاز یا آوانگارد نمی‌داند. می‌داند که با هر نگرش و با هر پیش‌فرضی و با هر سمت‌گیری نکاتی رویت می‌شوند و نتایجی به دست می‌آیند که آن نکات و نتایج در نگرش‌های دیگر و با پیش‌فرض‌های دیگر و با سمت‌گیری‌های دیگر از دست می‌روند.

نقد کثرت‌گرا حس آوانگارد را و رسالت ناشی از آن را به بازی و بازی‌کاری تبدیل می‌کند. نقد در فضای کثرت‌گرا بازی‌کار است. با هر دیدگاهی بازی متفاوتی ارائه می‌شود. دیدگاه الف ما را به بازی الف و دیدگاه ب ما را به بازی ب می‌کشاند و این بازی و بازی‌کاری، هر بار که ماتریس نگاه ما اندکی دگرگون می‌شود، بازی‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد. بازی‌هایی که در کنار بازی‌های پیشین و بازی‌های پسین ردیف می‌شوند. بسته به راهی که انتخاب می‌کنیم و هدفی که در پیش داریم و مورد مصرفی که برای نقد وجود دارد، آن سلاح نقد را می‌گذاریم و این سلاح نقد را بر می‌داریم. این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم. چیزی به ما تحمیل نمی‌شود. هیچ آمریتی در کار نیست جز الزاماتی که سمت و سوی نگاه ما به ما تحمیل می‌کند. اما این ما هستیم که به سمت و سوهای متفاوتی می‌چرخیم. بسته به این که چه چیز را چگونه و برای رسیدن به چه هدفی، بر می‌گزینیم.

نقد مدرن نخبه‌گرا است. نقد مدرن محصول فضاهای هرمی‌شکل است و متقابلاً به تکثیر فضاهای هرمی‌شکل می‌پردازد. در فضاهای هرمی‌شکل طبقه‌بندی ارزشی و زیبایی‌شناختی وجود دارد. یک دیدگاه، یک نظریه یا یک شیوه در بالا می‌نشیند، در رأس هرم می‌ایستد و دیگر دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و شیوه‌ها به ترتیب از رأس تا پایه‌ی هرم طبقه‌بندی می‌شوند.

ادبیات به عنوان یک رشته درون سو و خودبسنده، یعنی آنچه که در ادبیات مدرن به عنوان توجه و تمرکز بر چگونگی نوشتن و بازی‌های زبانی مطرح شد، نمی‌تواند در کلان‌فضای احترام ادامه داشته باشد. ادبیات اگر می‌خواهد همچنان در مرکز توجه باشد باید که ضمن استفاده از بازی‌های زبانی و شگردهای ادبی و چگونه نوشتن، مرکز توجه و تمرکز خود را بر آنچه که در کانون توجه زیبایی‌شناختی نوین وارد شده است قرار دهد.

نقد پلورالیستی